

من برای انجام یک سفر چه چیزی را به همراه می برم؟

اول پترس فصل 5 ایه 5 تا 11



به همین طریق شما که جوانتر هستید، باید مطیع رهبران کلیسا باشید و همه شما حوله فروتنی را به کمر بسته، یکدیگر را خدمت کنید زیرا خدا مخالف متکبران است، اما به فروتنان فیض می‌بخشد. پس در مقابل قدرت خدا فروتن باشید تا او شما را در وقت مناسب سرفراز نماید. بار تمام نگرانی‌های خود را به دوش او بگذارید، زیرا او همیشه در فکر

شماست. هوشیار و مواظب باشید؛ زیرا دشمن شما ابلیس، چون شیری عُرّان به هرسو می‌گردد و در جستجوی کسی است که او را ببلعد. با قدرت ایمان در مقابل او بایستید، زیرا می‌دانید که ایمانداران در تمام دنیا به همین زحمات دچار شده‌اند. اما، پس از اینکه اندک زمانی رنج و زحمت دیدید، خدا که بخشنده تمام برکات روحانی است و شما را در مسیح دعوت کرده است که در جلال جاودانی او شریک شوید، شما را کامل و ثابت قدم و قوی و استوار خواهد ساخت. قدرت تا به ابد از آن اوست، آمین!

من معمولا در سال یک بار برنامه ریزی میکنم که به یک تور دوچرخه سواری بروم که تا چند روز هم طول میکشد. برنامه ریزی کردن این سفر 50 درصد از کل این سفر محسوب می شود چراکه اگر ادم برنامه ریزی اشتباهی بکند باعث دلسردی و اشتباه ادم در این راه می گردد. بخاطر اینکه ادم بعضی اوقات کوله خودش را بیش از حد پر کرده و یا یک چیز بسیار مهم را فراموش کرده است که در کوله خودش بگذارد. یک بار من این اشتباه را در یکی از سفرهایم انجام داده ام و بخاطر همین من دیگر در این مسئله آگاه شده ام که چگونه یک برنامه ریزی خوبی انجام بدهم. موضوع امروز ما که در ایه های خطبه نیز آمده است درباره مسیر کلیسا در این جهانی می باشد که پر از دشمن های زیادی برای فرزندان خدا می باشد. سفر اجتماع مسیحی ان دوران که پترس در نامه اش آورده است یکی از خطرناک ترین این سفرها می باشد. این قوم مسیحی داستان ما از افراد خیلی کمی تشکیل شده بودند که اقلیت مردمان ان زمان را تشکیل می دادند. انها به احتمال زیاد بایستی مسیر خیلی دشواری را داشته بودند. اگر هر کدام از انها از روی خوش اقبالی کشته نمی شد به ترد شدن و یا زخمی شدن از طرف مردمان دیگر قرار می گرفت و یا تحت ظلم انها زندگی می نمود و با همه این مشکلات دست و پنجه نرم می کرد. حال ، من چگونه می توانم با این دنیای مبارزه طلبانه مقابله کنم؟ من هم در این دنیا زندگی می کنم. من چگونه می توانم در این دنیا به خوبی زندگی کنم در صورتی که خانواده ام با من قطع رابطه کرده اند زیرا من یک مسیحی شده ام؟ یا من چگونه به خوبی می توانم زندگی کنم در صورتی که همسایه ام مرا هر روز دشنام می دهد و به من اهانت می کند و یا حتی در بعضی از اوقات تهدید هم می شوم؟ من چگونه با این قضیه کنار می ایم در صورتی که درهای من به سوی دیگران بسته شده اند بخاطر اینکه من یک مسیحی شده ام؟ ای عزیزان ما هنوز در بهشت زندگی نمی کنیم و ما در راه رسیدن به ان هستیم. و در این راه امکان این هست که ما مسیرهای دشواری هم داشته باشیم. و موضوع امروز خطبه ما دقیقا به همین مسیرها بر می گردد. نامه پترس به ما این اطلاع را می دهد

که ما در این راه به چه چیزهایی نیاز داریم و چه چیزهایی را می توانیم در خانه خودمان جا بگذاریم. نامه پترس به ما این آموزش را می دهد که ما بین چیزهایی که باید با خود ببریم و در خانه بگذاریم بتوانیم به اسانی تصمیم بگیریم. نامه پترس قصد دارد تا ما در هر صورت و از همه مهمتر به هدف مان برسیم.

او در ابتدا این نامه به ما هشدار می دهد تا ما پیش بند خدمتکاریمان را فراموش نکنیم . همانطور که می دانیم معمولا پیشبند برای خدمتکاران می باشد. همان کاری که عیسی انجام داد یعنی او پیشبند خود را بست و پاهای شاگردان اش را شست. با این کار ما مسیحیان و شاگردان عیسی این را باید بدانیم که وظیفه همه ما خدمت کردن است. ما باید هر چیزی را که باعث هواس پرتی مان می شود را کنار زده و با اراده خاصی این پیش بند را زده و مشغول خدمت گزاری شویم. این پیشبند برای ما مسیحیان خیلی مهم است و ما نباید ان را فراموش کنیم. ما در این عمل خیلی از برادرها و خواهرهایی داریم که ما را در این راه همراهی می کنند. ما مسیحیان بایستی تکبر خود را کنار گذاشته و تواضع داشته باشیم . موضوع فقط این نمی باشد بلکه کلیساهای مسیحی ای وجود دارند که از وجود زجر و عذاب در جهان خشنود نمی باشد. بله یک کلیسا فقط برای اعضای خودش وجود ندارد بلکه برای همه است. ولی معمولا برای ما که احساس یک انسان زمینی داریم. انجام این کارها خیلی سخت است که دیگرانی که دشمن ما هستند را بهشان خدمت نماییم. از طرفی هم ما که در اعضای یک کلیسا هستیم خودمان را همیشه با دیگران مقایسه می نماییم. هر کسی که در بین ما نعمت و یا مسولیتی را بدست می آورد باید بداند که این برای او دلیل نمی شود که خودش را در بین دیگران بالاتر ببیند. ما همه انسان هایی هستیم که قابلیت انجام خطا را داریم. مثلا امکان دارد در بین ما کسی وجود داشته باشد که خوب بتواند ساز بزند ولی اگر همین شخص با خود بگوید و یا این حس را به دیگران بدهد که افراد کنار او نمی توانند هیچ سازی را یاد بگیرند دیگر او هیچ فایده ای برای برادر و خواهر هایش نمی تواند داشته باشد. او می تواند با تشویق کردن و جرات دادن به دیگران باعث رشد آنها شود و بدین ترتیب یک شخص مفیدی در بین آنها می شود .

پترس در نامه خودش به ما این اخطار را نیز می دهد که ما خودمان را با چیزهایی که زیاد مهم نیستند مشغول نماییم. همه ما به خوبی می توانیم این را ببینیم که ما مسیحیان خیلی علاقه داریم که دور هم جمع شویم و همیشه درباره همه چیز ساعت ها بحث و گفتگو نماییم و خیلی کارهای دیگر انجام دهیم. حالا چرا ما باید اینگونه باشیم؟ ایا به نظر شما ما به اندازه کافی کوله خودمان را بیش اندازه از وسایل بی ارزش پر نکرده ایم که ما را در مسیر خودمان فقط عذاب و رنج می دهد و مانع رسیدن به هدفمان می کند؟

شما تمام غصه های خودتان و گرفتاری های خودتان را بر دوش عیسی بگذارید چراکه او برای شما ان را تحمل خواهد کرد.

نامه پترس اینگونه به ما هشدار می دهد

در مسیری که ما با عیسی در زندگی مان هستیم دقیقا همانند ان راه کوهستانی است که یک کوه نورد در بین راه و در راه رسیدن به قلعه است که احساس ناتوانی می کند و امید خودش را از دست می دهد و دیگر نمی تواند قدمی به جلو بردارد. عیسی در اینجا به ما می گوید که هر چیزی که مهم نمی باشد را کنار بگذارید و بخصوص گرفتاری ها و نگرانی ها را که او خودش همه را به گردن می گیرد. ما مدت زیادی را نمی توانیم در کنار هم سپری نماییم. بعد از زمانی که ما غسل تعمید گرفته ایم خیلی حرف ها و کارها را برای خودمان در آینده در نظر گرفته بودیم. ما به عنوان یک مسیحی چگونه باید این راه را ببیم؟ و یا به چه چیزی من در این راه نیاز دارم؟ عیسی همه سوال ها و فهرست مایحتاج ما را در ابتدا در کناری قرار می دهد. از همه چیز مهمتر این است که تو به غیر از سوال ها و مایحتاج ات ، تو به چه چیزهایی نیاز نداری که در کوله خودت جای داده ای. و تو چه سنگ های زیاد بی ارزشی را در کوله خودت داری و آنها را حمل می نمایی؟ تو همه گناه ها و مشکلات قدیمی خودت را همه جا با خودت میبری و ان را در هر جایی که با دیگران می نشینی باز می کنی و مطرح می نمایی. عیسی در این رابطه می گوید: تو با مطرح کردن این گونه مشکلات تو در بین دیگران باعث نامطمئن کردن دیگر افراد و باعث دودلی در بین آنها می شوی. این گونه رفتارها باعث عدم صحبت کردن تو با عیسی می شود. و در این راه تو همیشه تنها باقی خواهی ماند و دیگر

توانی برای ادامه حرکت خود نخواهی داشت. و در بین راه بایستی گوشه ای نشسته و دیگران باید تو را بنگرند. تو در این راه باید هر چیزی که باعث کند شدن تو در این مسیر می شود را در کناری پرت کرده و خود را از اذانه با عیسی پیوند بزنی. پترس به ما می گوید که شما نباید آن ها را به گونه ای کنار بگذارید که بتوانید بعد از مدت کوتاهی دوباره سراغ آنها را بگیرید. و یا دیگر این مشکلات را دوباره از کوله خودتان بیرون نیاورید و در بین همه مطرح ننمایید. این امتحان بسیار سخت می باشد و ما باید به عیسی گوش دهیم و راه خودمان را با او دنبال نماییم. ما اینگونه می توانیم تصور نماییم که کنار گذاشتن این مشکلات اینگونه انجام می شود که ما آنها را در پیش عیسی نام ببریم و به او اعتماد کامل داشته باشیم. و در آنجا من می دانم که همه آنها را در دستان چه کسی قرار داده ام زیرا عیسی هیچ زمان کاری را بدون پایان نمی گذارد. و وقتی که چیزی در قلب من سنگینی کرد من می توانم آن را به اسانی به کشیش خودم بسپارم و در نزد او در پیشگاه عیسی، گناهانم توسط عیسی بخشیده شود و او بدینوسیله بگوید: گناهان تو در اینجا بخشیده می شود و من می توانم زندگی دوباره ای را از ان پس شروع کنم.

عیسی در این راه به ما یک چیز دیگر را نیز پند می دهد: شما مواظب خطرها باشید. در مسیر زندگی ما راه های کوتاهی سختی وجود دارند که شیطان دوست دارد که بخشش ما را که از عیسی دریافت کرده ایم را از ما بزددد. پترس به ما هشدار می دهد که همیشه هوشیار و در حال رشد باشیم. او به ما می گوید که دشمن ما یعنی شیطان همیشه همانند یک شیری گرسنه در کمین ما می نشیند و منتظر فرصتی مناسب برای حمله به ما می شود. پترس شیطان را یک خطر مهم برای ما مسیحیان می داند. شیطان افراد کلیسا را وسوسه می نماید و دوست دارد که آنها را به نحوی ببلعد. ما این را می توانیم درک بکنیم که کلیساهای قدیم چگونه مورد اذیت و آزار دشمنان قرار می گرفتند. آنها در خیلی از شهر ها مورد تعقیب قرار می گرفتند و اگر شخصی در جمع یک خانواده ای به دین مسیحی روی می آورد فوراً ترد می شد. این موضوع نمی تواند خیلی دور از ذهن باشد که بعضی از ان افراد نتوانند طاقت بیاورند و در دین شان باقی بمانند. حمله شیطان می تواند به همین اسانی و خطرناکی باشد. بعضی از اوقات نیز شیطان خودش را در مقابل ما حقیر و ناتوان و مظلوم جلوه می دهد تا ما را از راه حقیقی دور کرده و دیگر دنبال رو عیسی نباشیم. و همچنین او با پیشنهاد های وسوسه انگیز نیز به پیش ما می آید. هر کدام از کلیساهای ما تقریباً این را میدانند که چقدر سخت است که همه افراد ان کلیسا همه باهم در زیر کلام خدا دعا نمایند. همه ما در زیر فشارهای زیادی قرار گرفته ایم جایی که ما فکر ان هم نمی کنیم که شیطان به قلب ما نفوذ کرده و ما را به آرامی نسبت به دیگران سرد می نماید. و شیطان در این راه بهانه های خیلی زیادی را برای ما می آورد تا کار خودش را توجیح نماید. ما همیشه در حال رنج بردن از یکی از بیمارهایی کشور های متمدن هستیم. که ما همیشه زیر فشار روحی این معضل قرار داریم. ما از چیزهایی که ما تا به امروز برای خودمان تهیه کرده ایم رنج می بریم. و اگر ما یک غذای روحی خوبی دریافت نماییم دیگر ان را با چیز دیگری عوض نمی کنیم. و ما همیشه در راه درست خودمان باقی می مانیم. و دیگر ما به بیراهه کشیده نمی شویم و دنبال راهبر ما یعنی عیسی مسیح در راه فتح قله موفقیت می افتیم.

اگر من این ها را بدانم ، می بینم که من فوراً به ان عیسی نیاز دارم تا او من را در دست های خودش قرار دهد و با راهنمایی هایش راه حقیقی را به من نشان دهد. عیسی این کار را فقط برای من انجام نمی دهد بلکه او دوست دارد همه اینها را با افراد دیگر و به صورت همگانی و دست جمعی انجام دهد. او دوست دارد تا ما همه در حالت یک گروه کوهنوردی درآمده تا او ما را راهبری نماید. او قصد ندارد که فقط راه را به ما نشان دهد بلکه او دوست دارد تمام اهدافی که ما قرار است به انها برسیم را به ما نشان دهد. من می توانم بگویم که از همه سفرهای کوهنوردی خودم این را تجربه کرده ام که فرقی نمی کند گروه در مسیر چقدر خسته باشد و یا در زیر باران قرار بگیرد و یا راه را اشتباه برود و یا هر چیز دیگر بدی که اتفاق بیا فتد ولی باز هم در ان لحظه ای که همه نمایی از قلعه را ببینند قلبشان پر از نور شادی می شود و قدرتی تازه دریافت می نمایند و در آنجا می توانند قدم های اخر را نیز بخوبی ببیمایند تا به هدف شان برسند. عیسی بخوبی این هدف را به ما نشان می دهد:

اما، پس از اینکه اندک زمانی رنج و زحمت دیدید، خدا که بخشنده تمام برکات روحانی است و شما را در مسیح دعوت کرده است که در جلال جاودانی او شریک شوید، شما را کامل و ثابت قدم و قوی و استوار خواهد ساخت 11. قدرت تا به ابد از آن اوست، آمین !

برای مسیحیان مسیر هدف نمی باشد. بلکه قرار دادن همه امور در دستان عیسی و قرار گرفتن در اغوش او هدف ما می باشد. خداوند همه اشک های ما را از صورتمان پاک می نماید و ما دوباره خندان می شویم. این هدف را حالا ما در برنامه خودمان داریم و دوست داریم ان را با قدرت به اجرا در آوریم.

ای عیسی به ما کمک کن و ما را از خطرهای مواظبت بفرما و اجازه بده تا ما به هدف اصلی برسیم امین.